

## افسانه چنار عباسعلی

چنار عباسعلی در محدوده ارگ سلطنتی تهران قدیم قرار داشت که به دستور ناصرالدین شاه به پناهگاهی برای بانوان دربار تبدیل شد. حکایت مربوط به این چنار چنین است که روزی یکی از کنیزکان اندرون کاخ سلطنتی مرتکب خلافی می‌شود و از آنجا که می‌داند مورد خشم و بازخواست خانم خود قرار می‌گیرد شبانگاه فرار می‌کند و در صحن حضرت عبدالعظیم (ع) متحصن می‌شود. چون این خبر به گوش شاه می‌رسد به خانم می‌گوید که او را ببخش و آنگاه برای آنکه اهل اندرون، مأمون نزدیک‌تری داشته باشند و هنگام ضرورت به آنجا پناه ببرند، پنهانی به یکی از کنیز سپیدان حرم دستور می‌دهد تا شایعه کند که خواب‌نما شده و در پای چنار کهنسال حیاط، شخص گرانقدری به نام عباسعلی مدفون است. همین که این آواز در اندرون می‌پیچد اهل حرم شادی‌ها می‌کنند و از ششاه می‌خواهند نرده‌های دور درخت کشیده شود. شاه به نصب نرده سبز رنگ امر می‌کند. از آن پس این درخت به چنار عباسعلی معروف می‌شود تا پناهگاهی برای اهل حرم باشد.



درخت عباسعلی قبلا در این محدوده قرار داشته است

## چهره‌های سرشناس پاچنار

اشخاص معروفی در محله پاچنار زندگی می‌کردند: مثل خانواده «جلال آل احمد»، «مصطفی دادکان»، «حاج مهدی عراقی»، «اسدالله بادامچیان»، «سیدمجتبی نواب صفوی»، «احمد کافی»، «حاج اسماعیل رضایی»، «شیخ قاسم اسلامی»، «مستوفی الممالک»، «محمد رضا طالقانی» و پدر مرحوم «آیت‌الله طالقانی». بی‌گمان می‌توان ادعا کرد یکی از خاستگاه‌های تاریخ انقلاب اسلامی همین محله بوده است.

# پاچنار

## در شمال و جنوب

۳ محله در فرحزاد، اوین و بازار تهران به رسم قدردانی یک نام خاطر‌انگیز را همچنان زنده نگه داشته‌اند

تهران در گذر سده‌ها آرام آرام زیر پر و بال چنارهایش بالید و بزرگ شد و این شرکای صبور و شکیبا چنان بر گذرها، محله‌ها و گرداگرد مراکز حضور پایتخت‌نشینان سایه انداختند که نامشان را بر شناسنامه محل حضورشان دیکته کردند و در این همزیستی جاودانه شدند. حالا حتی در غیاب آن درختان همچنان این نام‌هایشان است که ما را در جست‌وجوی رد و نشانی از آنها در جای‌جای شهر راهنمایی می‌کند. حالا پسوند و پیشوند «چنار» و نیز عنوان «پاچنار» حکم همین راهنما را دارد.

## درخت خونبار

پاچنار آدرس آشنایی است که در قدیم در برخی از محله‌ها سر زبان‌ها بود. وجود یک چنار خاص، احتمالا قدیمی و تنومند بود که باعث می‌شد اهالی از این مشخصه برای نسلانی دادن به یکدیگر استفاده کنند. «علیرضا زمانی»، محقق و تهران‌پژوه، هویت تاریخی محله پاچنار و دلیل نامگذاری این محله را به این نام ایگنونه روایت می‌کند: «همانطور که می‌دانید، چنار در منابع تاریخی و در تمدن ایران زمین به بلندی و سایه‌سار و عمر طولانی‌اش شناخته می‌شود. در دوران‌های گذشته ایرانیان برای این درخت احترام قائل بودند و آن را باعث برکت، روزی‌بخشی و مراد دادن می‌دانستند. در منابع مختلف هم، مثلا در داستان حضرت یونس و سفر آفرینش، می‌بینیم وقتی می‌خواستند بزرگی و عظمت فرعون را مثال بزنند، آن را به چنار تشبیه کرده‌اند. همچنین در حمله خشایارشا و دارپوش به یونان، درباره درخت چنار و زینت‌بخش بودن آن، مطالبی مطرح شده است. با این مقدمه باید گفت که محله قدیمی پاچنار بازار تهران نامش را از چنار کهنسالی به یاد دارد که به «چنار خونبار» شهرت داشت؛ همان چناری که تاب زخم کوچکی را هم نداشت و با اندک خراشی، صمغی قرمز رنگ که در نظر عوام به خون می‌مانست، از آن خارج می‌شد. پای این چنار،



محل تجمع و قرار اهالی محل بود و رفته‌رفته پاچنار، هویت و نام این گذر و بازار شد. «قدمت بنای امامزاده روبه‌روی پاچنار بازار به قبل از صفویه می‌رسد؛ هر چند این چنار تا دوره معاصر دوام آورد، اما اقلیت حریف توسعه بازار نشد و از میان رفت. اهالی قدیمی پاچنار علت نامگذاری این محله را مربوط به ۵ اصله چنار بزرگ ابتدای بازار چه می‌دانند که روزگاری برای راحت‌تر پیدا کردن نشانی مورد نظر از موقعیت این درختان بهره می‌بردند و در اینجا قرار می‌گذاشتند. زمانی درباره این موضوع می‌گوید: «اغلب در تهران قدیم به دلیل حرمت چنار آن را در اطراف اماکن مقدسه می‌کاشتند. چنار کنار امامزاده سیدولی هم از همین نمونه بود. در گذشته درخت چنار تنومندی آنجا وجود داشت که تا چندین دهه گذشته باقی بود. این محله با توسعه تهران در محدوده بازار قرار گرفت و به نام «پاچنار» معروف شد.

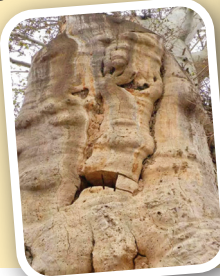
هر چند که بعد از کاشت این درخت، شخصیت‌های مهم و تأثیرگذاری در این محله سکونت داشتند یا بناهای تاریخی مهمی، برای مثال مسجد و مدرسه شیخ عبدالحسین، در این محدوده ساخته شده، اما نام هیچ‌کدام نتوانست جایگزین نام پاچنار شود. «به گفته زمانی در این محله، کنار بقعه امامزاده سیدولی، چناری وجود داشت که وقتی پوستش را می‌بریدند مایعی سرخ‌رنگ از آن بیرون می‌زد. اسم این چنار را گذاشته بودند چنار خونبار و نام محله پاچنار را هم از آن گرفتند؛ محله‌ای که در اطراف این چنار توسعه پیدا کرد.

## پاچنار فرحزاد اوین

علاوه بر پاچنار بازار، چند محله دیگر هم در تهران قدیم به همین نام خوانده می‌شدند که محله اوین و فرحزاد از جمله آنهاست. زمانی، درباره محله‌هایی که نام آنها پاچنار بوده است، می‌گوید: «در گذشته در میدان مرکزی محله یاروستای اوین چنار تنومند و استواری ریشه دوانده بود. اهالی عمر آن را به ۱۴۰۰ سال قبل نسبت می‌دادند. این چنار افراشته، چنار باشکوه و دوشاخه‌ای بود که در کنار آن حوض و قهوه‌خانه‌ای قرار داشت. به همین خاطر این محیط به پاتوقی برای اهالی تبدیل شده و اغلب بعد از ظهرها اهالی برای گذراندن اوقات فراغت دور هم جمع می‌شدند تا از اتفاقات روز روستا باخبر شوند یا درباره انجام کاری با هم همفکری کنند. این درخت باشکوه تا اوایل دوره پهلوی اول وجود داشت، اما براساس اتفاقاتی که در آن دوران در اوین

می‌افتد، توسط یکی از عوامل حکومت قطع می‌شود. این اقدام، اعتراض شدیدی را به اهالی را به دنبال داشت، ولی دیگر کار از کار گذشته بود. کم‌کم این محل در بین اهالی به یاد آن درخت و تنه باقیمانده از آن، به نام پاچنار شهرت پیدا کرد.»

زمانی همچنین درباره محله پاچنار فرحزاد می‌گوید: «فرحزاد نیز چنار شکوهمندی داشت که بسیار کهن بود. در کنار این چنار هم قهوه‌خانه روستای فرحزاد واقع شده بود و اهالی همانجا دور هم جمع می‌شدند. این درخت در دهه‌های گذشته بنا به دلایلی نامعلوم از بین می‌رود و خشک می‌شود، اما اهالی همچنان برای ملاقات با یکدیگر کنار این تنه خشک شده چنار قول و قرار می‌گذاشتند و هنوز هم این محدوده در بین اهالی فرحزاد به همین نام خوانده می‌شود.»



## منبع الطبع و محبوب پایتخت‌نشینان



نصرالله حدادی، تهران‌شناس

تهران در روزگاری قریه خوش آب‌وهوای دامنه‌های البرز در همسایگی ری بود. این قریه به واسطه داشتن دره‌ها و رودهای پر آب زمانی به دومین شهر آبی ایران هم معروف بود. تهران قبل از انتخاب برای پایتختی، بیش از هر چیزی به داشتن درختان و باغ‌های پر درخت و پر میوه و درختان چنار هم معروف بود. جمله قدیمی‌ای هست که می‌گوید «پاریس را با کافه‌هایش می‌شناسند و تهران را با چنارهایش». بسیاری از تهران‌نشینان چنارستان یاد می‌کردند. در واقع این درخت کم‌توقع از نخستین ساکنان قریه‌ای بود که بعدها تبدیل به یک ابرشهر شد.

به‌گفته نصرالله حدادی، تهران‌شناس، درخت‌های تهران ۵۲ سده بودند؛ دسته نخست درختان تائبستانی مانند چنار و دسته دیگر درخت‌های زمستانی همچون کاج و سرو. اساسا در تهران درخت را به صورت اقلیمی و بومی می‌کاشتند و رعایت تناسب درخت با اقلیم نکته‌ای بسیار مهم بود. در تهران قدیم چنارهای زیادی کاشته می‌شد. چون این درخت‌ها علاوه بر قلمه، پاجوش هم می‌گیرند و درختان بسیار مقاومی هستند و اگر سالی ۲ یا ۳ بار هم به آنها آب برسند، باز باقی می‌مانند. درخت چنار همچنین به دلیل برگ‌های فراوان در تصفیه هوا نیز مؤثر است. درخت چنار علاوه بر احترام و محبوبیتی که به‌عنوان نماد شکرگزاری در میان تهرانی‌ها داشت، سایه‌سار خوبی هم برای محافظت در مقابل تابش اشعه خورشید محسوب می‌شد. به همین دلیل پایتخت‌نشینان علاقه فراوانی به کاشت درخت چنار در بخش شرقی حیاط خانه‌شان داشتند. نصرالله حدادی در این باره تعریف می‌کند: «مردم تهران به نشاندن نهال باور داشتند. آن را منشأ برکت زیادی می‌دانستند. حیاط همه خانه‌ها پر بود از درخت‌های مثمر و غیر مثمر. میان این درخت‌ها چنار به دلیل منبع الطبع بودن و زود پاجوش خوردنش محبوبیت ویژه‌ای بین تهرانی‌ها داشت. سر هر کوی و برزنی این درخت نشانه می‌شد. برگ‌های چنار پنجه‌ای شکل است و شاخه‌های آن به سمت بالا کشیده می‌شود. به همین دلیل این درخت برای تهرانی‌ها نمادی از نیایش نیز بود. علاوه بر این، سایه‌سار درخت چنار که رشد عمودی مطلوبی دارد، در تابستان مانع تابش نور مستقیم آفتاب به خانه می‌شد و در پاییز هم نور را به خانه راه می‌داد.»

حدادی همچنین به کاشت چنار در امامزاده‌ها و تکایا اشاره می‌کند: «در گذشته مردم اغلب برای سیاحت و زیارت به اماکن متبرکه و آستان امامزادگان می‌رفتند و چون بیشتر آرامستان‌ها در دل امامزاده‌ها بود به‌تجوی آنها با یک تیر چند نشان می‌زدند و زیارت را با سیاحت همراه می‌کردند. با این زمینه فرهنگی، کاشت درخت در تهران برای تأمین رفاه آنها به‌ویژه در دل امامزاده‌ها یا در نزدیکی تکایا و حسینیه‌ها هم رسوم بود و از سوی دیگر، شرایط اقلیمی و جغرافیایی تهران نیز با طبع درخت چنار سازگار بود.»